



پیام‌های خود را به
پست الکترونیکی
ضمیمه نوجوانه
به نشانی
زیر ارسال کنید.

info@jamejandaily.ir



شماره پیامک
۳۰۰۰۱۱۲۲۳

نیز راه ارتباطی
دیگر ما
با شماست



حسین شکیب راد، دبیر نوجوانه، ۱۸ ساله که ۱۸ سالشه و به قول خودش در فصل نوجوونی زندگیش باقی مونده. **زهرا قربانی** که دبیر تحریریه نشریه است، با همه جوونیش، کلی سابقه کاری داره و همین باعث شده نوجوون‌ها رو خوب بشناسه. زحمت رنگ و لعاب ضمیمه نوجوانه هم که باعث شده مطالب خوندنی‌تر شن روی دوش **محمد لوریه**.

ولی ضمیمه **نوجوانه** با همت کلی نوجوون و جوون تولید می‌شه که باید بگیم دم همشون گرم!

ما ۲ تا برادر!

آن مجاهدان مرد، مبارزان درد، خورندگان به معنا، معتادان سینما، روندگان راه صواب، زندگان حرف حساب، احتمالا اهل کتاب، در فلسفه مغلوب هایدگر، عشاق مرام هانس زیمر، از ناداران خلقت، برادران لومیر- خدایشان بیامرزاد- از بزرگان اهالی اختراع و اکتشاف و التزام و انتظار و استناد و استتار و اختفا و انتها و ابتدا بودند!

نقل است، پیش از آن اخوین؛ جهانیان و اهل زمین و حومه، تنها ۲۹ نما را به چشم دیده بودند اما به محض تولد آن دو نوگل تازه شکفته در باغچه عمر؛ آسمان دهان باز کرد و یک نما افتاد در بغل برادران لومیر!

البته مغرضین گویند؛ در همین اثر بود که لایه اُزن تاکنون مجروح مانده است زیرا آسمان بی‌خبر دهان باز کرده بودی و لایه اُزن غافلگیر شدی! سخنان نکته‌سنج مغرضین البته بدین نقطه، مختوم نگردد که آنها عارض اند: «چنانچه سی‌اُمین نما، از آن بالا گشته و گشته و بعد افتاده در بغل این برادران؛ از آن رو که اینها دو تائید و حاوی دو دستگاه بغل هستند، باید بررسی نمود و تفحص کرد که اول در بغل کدام یک افتاده، تا او را بیش از دیگری تکریم کنیم و بین اخوین فرق‌ها گذاریم و میانشان اختلاف ایجاد کنیم تا مگر پیوند اخوتشان گسلیده شود و ما خوشحال شویم و مرض دلمان خوب گردد!»

باری؛ آنان را مخترعین السینما نامند و نقل است که از حیث تولید تصاویر به غایت متحرک و پایه‌گذاری اول نمایش عمومی عالم، آن دو بودند که مسبب ایجاد سینما گشتند و شاید خود ایشان ندانستی؛ اما به شکل غیر مستقیمی باعث رونق صنعت پاپ‌کرن (بادهای موسمی مربوط به فیل یا همان پُف فیل)؛ گشتندی و به همین جریده قسم! که اگر مادر گیتی، این برادران را نزاییدی، کسب و کار جناب فیل حتما کساد بماندی و یک مَن خاک روی آن بگرفتی!

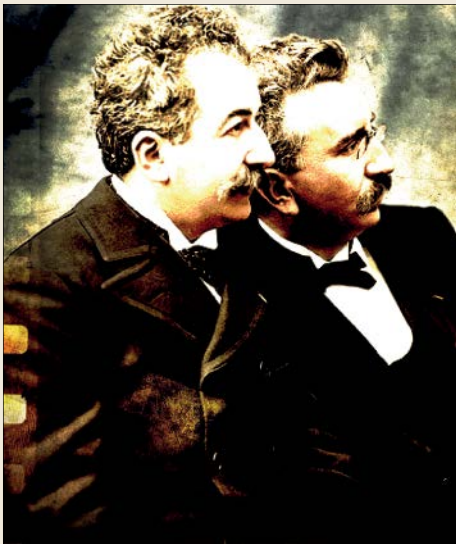
در کتب قدیمه آمده، که آن دو با الگوگیری از کینه‌توسکوپ، سینماتوگراف را ساختند. حال آن‌که این دو دستگاه دقیقا چه بودی و چه می‌کردی، در اندازه فهم کاتب گنججیدی، فلذا در تاریخ مسکوت مانده است! تنها اطلاعات رسیده آن است که آن موجود عجیب‌الخلقه یعنی سینماتوگراف رونمایی شده است در سنه ۱۸۹۵ در گراند کافه واقع در بولوار کاپوسی، نبش خیابان برادران نلسون به جز ماندلا؛ پلاک ۲/۱۵. زنگ خراب است با سنگ بزنید!

نقل است که جناب آنتوان لومیر که از اجله زعمای وقت آن حومه و حیطه بودی؛ از قضا پدر برادران لومیر بود. در احوالات آن شیخ پدر آمده که فی‌نفسه او برای بار نخست، پشترین (دو پسر را گویند) خود را تشویق و وادار نمود تا دستگاهی اختراع کنند برای ثبت و نمایش تصاویر المتحرکه. اتفاقا همین آنتوان پدر بود که ایده ساخت دستگاه را در سفری به پاریس با دیدن دستگاه کینه‌توسکوپ ادیسون، به دست آورده بود. از قضا آنقدر نبوغ ادیسون را بر فرق سر آن دو برادر کوبید و جمله «ما چه چیزمان از توماس ادیسون کمتر است» را تکرار کرد تا دست آخر گر غیرت آن دو برادر یاد نمود و شروع کردند به اختراع!

بارها شکست خوردند و در تمامی مراحل درماندگی و ماندگی این پدر بود که سنگ صبور خانواده لومیر گشته بود.



سید سپهر
جمعه زاده



صبحی به آنتوان، خبر رسید که بالاخره پسرانت، موفق به ساخت آن دستگاه گردیده‌اند و اکنون هم مراسم رونمایی است. پدر اما خیلی وقت بود که از فکر آن دستگاه بیرون آمده بودی و بحتمل زده بود در کار بورس و بورسیات!

القصة، کلا به آن دستگاه، امیدی نداشت تا جایی که برای اثبات حرف خود می‌خواست رأی جناب ژرژ ملی‌یس که می‌خواست آن دستگاه را با قیمت هنگفتی بخرد، بزند و او را از خرید منصرف کند تا بچه‌ها بفهمند که این دستگاه برایشان آب و نان نمی‌شود! می‌گویند؛ آنتوان دائما زیر گوش آن تنها خریدار می‌خواند که: «نخرا! مردم به زودی از آن خسته خواهند شد.»

البته دست روزگار آنچنان سامان داد که این چنین نگشت و نگردید و خیلی زود آن اختراع، توجه تمام هستی را به خود جلب کرد و دیگر نقطه‌ای از جهان را یافت می‌توانست کرد که آن اختراع در آن رسوخ نکرده باشد تا به امروز! با این حال بعضی مدعی‌اند هنوز روح مرحوم آنتوان لومیر در سینماهای شهری می‌چرخد و گاهی پیچ بعضی دستگاه‌ها را بواشکی شل می‌کند یا پایش را روی سیم می‌گذارد تا مگر مردم بدبین شوند و او برود به پسرانش بگوید: «د دیدید گفتیم!»

آورده‌اند در همان ازمنه‌ی دور، به هنگام پخش اولین تصاویر از دستگاه برادران لومیر، مردم پاریس، پشت صندلی‌ها پناه گرفته‌ی یا پا به فرار گذاشتندی تا مگر آن قطاری که در فیلم در حال سیر و سفر است، زیرشان نکنند. در این هنگام مورخین احتمال داده‌اند، پدر برادران لومیر، بشکن زده باشد از شدت خوشی!

از جناب مستطاب هانری لانگولا، منتقد سینما پرسیدند: «اول مرغ بوده است یا تخم مرغ؟»

ولانگولا اینطور مکتوب کرده: «دورانی بود که سینما از درختان و گل‌های رز و دریا سرچشمه می‌گرفت ولی ناگهان مردی با ماشین جادوی خود در میدان‌ها توقف کرد، وارد کافه‌ها شد و در آن زمان همه پرده‌ها دریچه‌ای به ابیدیت گشودند. آن دوره لویی لومیر بود!!»

در کمتر جریده‌ای آمده اما ما به شما می‌گوییم که نام آن دو برادر آگوست و لویی بود.

عکس بی‌قاب

شماره قبل نوجوانه، این عکس را برایتان گذاشتیم و از شما خواستیم هر چه به ذهنتان می‌رسد برای ما بنویسید و پیامک کنید. این هم نتیجه زحمت و ذوق شما.



مژگان رضایی از خمینی‌شهر: چیزی که ما رو بی‌نقص نشون میده، به نفعمون نیست.

محمد جواد نوائیان از تهران: آنچه که خود را می‌بینی، نیستی. غرور است که آدم رو بزرگ می‌کنه.

علیرضا ابراهیمی از خمینی‌شهر: گاهی در آئینه به جای خودت اهداف آینده‌ات را تجسم کن؛ زیباست!

حدیثه محمدی ۱۷ ساله از کرج: گاهی اوقات آینه هدف‌ت را نمایان می‌کند. وقتی به هدف‌ت رسیدی یاد‌ت باشد که چه بودی و الان چه هستی...

ریحانه کرباسیاف ۱۶ ساله از تهران: آئینه‌های مجازی فرصت خوبی برای پنهان کردن خود حقیقی‌مان است!

ریحانه طاهری از خمینی‌شهر: خیلی وقتا توفیق عیب‌هاتو می‌بینی، به دوست‌نیازه‌تا قشنگی‌های وجودتو به رخت بکشه، شایدم بی‌عیب بودی!!!

نرگس اکبری ۱۸ ساله از نکاما زندان: به آینه نگاه کردم؛ منی در آن بود، که دیگر من نبود.

بیاتمتین کیا ۱۵ ساله از تهران: گاهی در زندگی به فردی مانند یک آینه نیاز داری؛ تا به تو انگیزه دهد و اهداف‌ت را نمایان کند.

محدثه جلیلی ۱۸ ساله از قم: کمال انسان هنگامی میسر است که نقص‌هایش را بشناسد و در پی جبران آن برآید!

محمد پارسا بحرینی ۱۷ ساله از کرج: هیچ کدام‌مان کامل نیستیم اگر انسانی بی‌نقص و کامل بنظر تان رسید، زاویهی دیدتان را عوض کنید تا قسمت‌های ناقصش را نیز ببینید.

زینب اصغری از خمینی‌شهر: گاهی باید از کمبودهایی که در حال حاضر با آن روبه‌رو می‌شویم، گذشتی‌تو پر بارمان را تصور کنیم، و برای رسیدن دوباره به آن تلاش کنیم.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی مصرف و خدمات کلرکتان
صنایع شهید باقری به شماره ثبت ۳۵۱۳۳۳

به این وسیله از اعضای محترم شرکت دعوت می‌گردد تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول که در ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۷/۰۵ در محل نمازخانه صنایع شهید باقری برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

❖ **تذکر ۱:** در صورتی‌که هر یک از اعضاء نتواند در مجمع عمومی حضور یابد می‌تواند حق رای خود را به یک نماینده تام‌الاختیار خود از میان اعضاء یا خارج از آن واگذار نماید. عضو متقاضی اعطای نمایندگی باید حداکثر ظرف مدت ۷ روز پس از انتشار این آگهی به همراه نماینده خود در محل شرکت حاضر تا پس از احراز هویت طرفین و تایید و کالت، برگ نمایندگی و ورود به مجمع عمومی برای نماینده صادر گردد. ضمناً هر عضو می‌تواند و کالت ۳ عضو غیر عضو فقط و کالت یک عضو را به عهده گیرد.

❖ **دستور جلسه:** ۱ انحلال شرکت

باتشکر- هیات مدیره

برگ سبز خودرو مزدا بی ۲۰۰۰ آی، مدل ۱۳۹۵، به رنگ سفیدروغنی، شماره انتظامی ایران ۵۳- ۲۸۸ و ۵۱، شماره‌موتور FE36918، شماره شاسی NAGP2PC11GA226339 به‌نام محمدامین جاودان‌فر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی خودرو پژو ۴۰۵، مدل ۱۳۸۷، به رنگ نقره‌ای‌متالیک، شماره انتظامی ایران ۲۳- ۶۱۵ و ۲۹، شماره موتور 12487048648، شماره‌شاسی NAAM01CA88E363803 به‌نام محمدامین جاودان‌فر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیانی‌جرگ سبز، کارت و کلیه اسناد و مدارک انتقالی «مجاز تعویض موتور، فاکتور فروش موتور (نمایندگی سایپا)» فاکتور تعویض موتور نمایندگی سایپا و نلحه حک شماره موتور راهور خودرو پیراید GLXI، مدل ۱۳۸۶، به رنگ: نرگس مدادی متالیک به شماره انتظامی ۱۱۶- ۶۱ ایران ۵۳، شماره موتور 1878779، شماره شاسی 51412286050821 به مالکیت: منیره شریفی تودشکی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.